

## لزوم توجه خاص به سینمای کمدی

### حمید اگرمی

وقتی سخن از سینمای کمدی در بستر تاریخ و روند شکل‌گیری آن به میان می‌آید و اشاره‌ی به اولین آثار سینمایی ساخته‌شده در جهان می‌شود، عطسه‌ی فرد اوت در آخرین دهه‌ی قرن هجدهم به عنوان نخستین فیلم کمدی در فهرست آثار جای دارد. اگرچه پیش از تکامل سینما نمایش‌های طنز سوای سرگرمی باعث خنده و شادی مخاطبان می‌شد، با این وجود کمدی دوران طلایی خود را تنها با نمایش تصاویر پر برده‌ی عریض سینما به صورت صامت تجربه نمود و شاید به‌صراحت بتوان گفت که بهترین و جاذب‌ترین آثار هم در میان فیلم‌های کوتاه ساخته‌شده توسط کارگردانان آن عصر خلاصه می‌شود. کمدی‌ها از آغاز با حوادث محیرالعقول فیزیکی و استفاده از عوامل جادویی سینما و ترفندها و شوخی‌های بصری همراه بوده‌اند و اغلب هم اتفاق می‌افتاد که برای ایجاد شوخی‌های بصری ویژه از پانتومیم استفاده شود تا به نوعی استعاری شباهت‌های بصری میان اشیای به کار گرفته شده به وجود آید؛ در این میان آثار چاپلین نمود بارزی دارد، برای مثال در فیلم بنگاه رهنی ساعتی شماطهدار به شکل‌های مختلف ظاهر می‌شود و یا در فیلم جویندگان طلا چاپلین با پوتین، بنده کف و اجزای مختلف کفش فرمتی غذایی پیدا می‌کند. آن چه در یک ساختار سینمایی می‌تواند موقعیت طنز ایجاد کند خارج نمودن اشیاء، اجسام، آدم‌ها، موقعیت‌ها و ... از تناسب اصلی آن‌هاست؛ در حقیقت متناسب نبودن ابزار به کار گرفته شده با اصالت آن‌ها خود موجب به وجود آوردن شوخی‌های بصری می‌شود و این بیش از هر چیز ریشه در ساختارهای سینمایی صامت دارد. کمدین‌های جاودان سینمای صامت همچون هری لنگدون، باستر کیتون، هارولد لوید و چارلی چاپلین که بیش‌تر هم در قرن نوزدهم حضور شفافی در ژانر کمدی سینمای جهان داشتند، آثار کوتاه و بلند ارزشمندی را از خود به جای گذاشتند که نه تنها مورد اقبال عموم

که مورد توجه اهالی سینما هم قرار گرفتند این میراث باارزش تا آن‌جا اوج گرفت که شخصیت‌های کمدی در فیلم‌های بعد مقلد همان تکنیک پانتومیم گذشته بودند با این تفاوت که شوخی‌های نه چندان برجسته‌ی هم در بستر رفتار شخصیت‌ها نهادینه گردید؛ از آن میان هانتین روهمان آلمانی، نورمن ویزدم انگلیسی و دنی کی و جری لوییس آمریکایی شهیرترین مقلدان سیاق کمدی گذشتگان خود بودند. از میان کمدین‌های پیشین چارلی چاپلین محبوب‌تر از دیگران به شمار می‌آید و حتی از نگاه منتقدان و اهالی سینما هم بالاترین رتبه را دریافت نموده است، چرا که چاپلین خود استاد پانتومیم بود و در حرکات آکروباتیک مهارتی توصیف‌ناشدنی داشت. او گونه‌ی دیگری از کمدی موجود با نام کمدیادل‌آرته را تجربه نمود و در بداهه‌پردازی هم بی‌نظیر بود. اگرچه بعدها لورل و هاردی، جری لوییس، وودی آلن، دنی کی و دیگران در کار خود شهره گردیدند، با این همه چاپلین به جهت ایستادن نبودن، نخبگی و نوآوری هر روز درخششی پرجمع‌تر از روزهای پیش با خود به همراه داشت؛ از جویندگان طلا گرفته تا ولگرد و بعدها در عصر جدید، روشنایی‌های شهر، سیرک و لایم لایت پدیده‌ی تازه‌تر را برای مخاطب منتظر با خود آورد. ویژگی



چاپلین شیوه‌ی خاص به خود بود؛ آمیزه‌ی از گونه‌های مختلف کمدی ملایم و بزق و بکوب و یا حتی تقابل این دو و به‌کارگیری عناصر بزق و بکوب برای تلطیف و یا محو عناصر کمدی ملایم. آن چه مسلم است سینمای کمدی جهان در سبک‌های مختلف و آرایه‌ی پرسوناژهای گوناگون در طنزپردازی با موفقیت روبه‌رو بوده و هرچند شاید چارلی چاپلین، لورل و هاردی و هارولد لوید با آن تیپ و یا استعاره‌ی میمیک ظاهر نشده باشند، اما فرم تازه‌ی که گویای نوآوری است را می‌توانیم در آن سینما مرور نماییم و تمایز بین کمدی‌های مختلف، از کمدی کنایی و هجو کمدیک گرفته تا کمدی رومانسیک و رومانس کمدیک را به خوبی دریابیم و تفاوت اثرپذیری آثار طنز از خنده‌های نخودی و یا قهقهه و از ته دل و در نهایت خنده‌ی رودهر را تجربه کنیم. آن چه اکنون بیش از هر چیزی در سینمای جهان و حتی سینمای کشورمان اهمیت دارد توجه خاص به سینمای کمدی است، چرا که مردم به جهت رهایی از لحظات سخت و تلخی مصایب ناگزیر خود را تشنه‌ی لحظات شادمانی پنداشته و به این سمت و سو روی می‌آورند؛ حالا برای رهایی از این لحظات و حتی پر کردن اوقات فراغتی که شاید در آن یأس و افسردگی باشد، تنها چیزی که می‌تواند جبران مافات کند ایجاد لحظات زیبای شادمانی است و مفرح شدن درون با طنز رابطه‌ی مستقیم دارد. بهتر است از صور علمی، فنی و تصنعی با موضوعات مفهومی در آثار بیرون‌مرزی بیرون شده و با نگاهی این‌چنینی سینمای کمدی کشور عزیزمان را به نحوی مجمل و خودمانی به نقد و نظر بنشینیم. سینمای کمدی ایران چندان از سبک و سیاق سینمای کمدی جهان بی‌بهره نبوده است، اگرچه گرایش ویژه‌ی به بنیان‌های طنزگونه‌ی نمایشی خود و حفظ سنت‌ها دارد. آن چه اکنون در سینمای طنزگونه‌ی ما اصالت دارد همان دلقک‌بازی‌های کهنه، لودگی‌های نخ‌نماشده و روحوضی‌های رنگ و رو باخته با



**سینمای کمدی ایران  
چندان از سبک و  
سیاق سینمای کمدی  
جهان بی بهره نبوده  
است، اگر چه گرایش  
ویژه‌یی به بنیان‌های  
طنزگونه‌ی نمایشی  
خود و حفظ  
سنت‌ها دارد**

توانست هم مورد توجه بینندگان قرار بگیرد و هم گیشه‌ی ناغی را در پی داشته باشد و البته کار به جهت حضور یک شخصیت در قالب روحانی جنجال‌برانگیز گردید همان گونه که در لیلی یا من است مباحث مطروحه در رابطه با جنگ و آرمان‌های دفاع مقدس و خدشه‌دار کردن آن‌ها بحث‌برانگیز شد؛ مارمولک اقتباسی بارز از فیلم خارجی ما فرشته نیستیم بود، به روایتی ما فرشته نیستیم ایرانیزه شده با این تفاوت که یک روحانی جایگزین یک کشیش می‌شود. البته اخراجی‌های جناب دهنمکی هم نوعی دیگر از جنجال‌آفرینی‌های نوین در سینمای کمدی‌پرداز جنگ بود و این جسارت‌ها تنها خاص همین صاحبان این اثر است و دیگران را به این حریم راهی نیست، خاصه این کارگردان تازه از راه رسیده که با اثر مستند آماتوری پنهانی و جنجالی یک‌شنبه ره صدساله پیمود و حالا برای خودش جایگاهی را قبضه کرده است. به هر حال پرداختن به سینمای جنگ در ایران و جهان نیازمند زمانی طولیل و حوصله‌یی جزیل است تا به مثنوی هفتادودو من به تحریر و قیاس درآید و در حوصله‌ی کوتاه ما نمی‌گنجد. اما دگر آثار فراوان طنزی که بر پرده‌ها می‌آیند و می‌روند و به نوعی هم یا سرگرم می‌کنند و یا خنتی باقی می‌مانند و هیچ فیدبکی را از خود بر جای نمی‌گذارند، از خواب سفید و اسپاگتی در هشت دقیقه گرفته تا شاخه‌گلی برای عروس، آگه می‌تونی منو بگیر، چند می‌گیری گریه کنی، ازدواج به سبک ایرانی، سوغات فرنگ و غیره، چندان با اقبال ماندگاری مواجه نبودند ■

برگشت به خانه از شاهکارهای رویت‌شده در فیلم گپ و گفتی داشته باشند و در صورت امکان بعضی از آن هنرنمایی‌های دیده‌شده در پرده را تقلید نمایند، نه برای آنان که حتی سینمای کمدی را هم بیش‌تر به خاطر کنایات و اشارات آموزنده و نقدگونه‌اش دوست می‌دارند و اگر خنده‌یی بر لبشان می‌نشیند رضایت از دریافت نکته‌یی مهم از موضوعی قابل ملاحظه است. در این‌جا خدای ناکرده قصد رد کردن بنیان‌های نمایش شکل‌گرفته در کشورمان را نداریم که قطعاً آن حرکات و سکنات روحوضی و گفتارهای طنز و خنده‌آور بیشین بیش از رفتارهای طنزگونه و لبریز از مضحکه‌ی کنونی حرمت خود و مخاطب را حفظ نموده‌اند چرا که در آن نمایش‌های به اصطلاح رو در رو بیش‌تر با تماشاگر چشم در چشم بوده و مقید بودند که حیا و حرمت این مواجهه محفوظ بماند اما حالا دیگر لنز دوربین است و نگاه خالق اثر که آفریننده‌ی چنین شاهکارهایی است که خود غیرمتعارف و وجدآور است حال آن‌که ادا و اصول‌های میمون‌وار هم حد و حدود زمانی خود را دارد و نه چندان دیر به کهنگی خواهد پیوست. در این گذار، اثری متفاوت و رقیب با گونه‌های خارجی هم وجود داشته از جمله آجارمنشین‌ها که طنز اجتماعی متقدانه است و مفاهیم لایه‌یی آن برای اهالی اندیشه کاملاً هویداست ماسوای آن که رفتار طنزگونه و مفهومی بازیگران و گویش‌های کلامی باعث جذب بیننده‌ی عام هم می‌گردد. مارمولک اثر کمال تبریزی هم بعد از لیلی با من است نوآوری دوباره‌یی بود که

سیاقی تازه است. به سادگی نمی‌توان تعبیر درستی برای سینمای کمدی کشورمان داشت، چرا که آن چه زاینده‌ی ذهن و فوران سلیقه‌ی بدیهه‌پردازان است در رقابتی مشابه و بعضاً یک شکل به عنوان ساختاری طنزگونه نقش پرده‌ها می‌شود که جملگی، یا ریشه در سیامبازی‌های کهن یا کمدی‌های نمایش کلامی و یا من‌درآوردی‌ها، تعبیر به نوآوری دارد. به سادگی نمی‌توان دریافت آن چه که به معنای عام آن سعی دارد در تلویزیون با لودگی و رفتار هجو و مبتذل مخاطب را به قهقهه وارداد به شکلی کلیشه‌یی در سینما رخ می‌نمایند و حتی سعی می‌کند که از چهره‌های لاشه‌شده در تلویزیون هم تمام و کمال بهره گرفته تا شاید که بازیگران کمدی سینما با قاب مخیله‌ی مخاطب تطابق نداشته و بی‌تفاوت از کنارش عبور نماید؛ با این همه هیچ تلاش مضاعفی برای حداقل استفاده از خلاقیت و نوآوری در متن به کار گرفته نمی‌شود تا این‌که بتوان با تأمل در لایه‌های زیرین موجود به‌اجبار آن اثر بدیع را تحمل نمود. امروزه چه در تلویزیون و چه در سینما آن چه بیش از هر چیز دیگر مورد توجه است به‌کارگیری حرکات نمایشی خلاصه‌شده در ادا و اصول‌های مضحک و یا بهره‌گیری از دیالوگ‌های مبتذل و متعارف کوجه‌بازاری بوده که کمی هم چاشنی آن افزوده گردیده است. این که نکته‌یی ژرف و قابل اعتنا برای تأویل در اثر وجود داشته یا نه اهمیت چندانی ندارد؛ البته برای آنان که آمدند تا به نوعی اوقات فراغت خود را سپری کرده و در راه